

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نادر تهرانی
۲۰ جون ۲۰۱۶

آقای "ایرج مصداقی" به کجا چنین شتابان؟!

به دنبال مصاحبه ایرج مصداقی با پرویز معتمد یکی از مأموران پا سابقه ساواک، سازمانی که وظیفه شکنجه و آزار و کشتن آزادیخواهان در رژیم شاه را بر عهده داشت خیلی ها سؤال می کردند که چرا چنین مصاحبه ای صورت گرفته و منتشر شده است. از آنجا که مصاحبه مصداقی با مأمور ساواک شاه حول فرار ها و چگونگی ضربه خوردن رفیق حمید اشرف بود به طور طبیعی هر کسی انتظار داشت که یاران حمید اشرف و از همه مهمتر رفیق اشرف دهقانی در این زمینه روشننگری نمایند. به همین دلیل هم ایشان مقاله ای تحت عنوان (رفیق حمید اشرف در خاطرات یک ساواکی "بی همه چیز") نوشته و منتشر نمود که مطالعه آن بی اندازه آموزنده بود. نه تنها از نظر روشن نمودن دروغ های ساواکی مزبور بلکه به خصوص از نظر شیوه برخورد با مخالفان.

متأسفانه مصداقی به جای درس گیری از این شیوه برخورد متین و مستدل، در مصاحبه ای با تلویزیون "میهن" به عکس العملی کاملاً دور از شأن کسی که زمانی ادعای آزادیخواهی داشته، متوسل شده و با فحاشی و دروغگوئی علیه اشرف دهقانی جایگاه دیگری را از خود به همگان نشان داد. برخورد های هیستریک و بر افروختگی او در این مصاحبه آنچنان آشکار و نمایان بود که هیچ انسان آزادیخواه و با شرف قادر به تأیید آن نمی باشد.

مصداقی در قسمتی از این مصاحبه طولانی به انسان مبارزی پرخاشگری می کند که یکی از سبیل های مبارزه علیه رژیم های دیکتاتوری شاه و جمهوری اسلامی بوده و می باشد و او از نسل جوان مبارز می خواهد به او اعتماد نکنند. بر کسی پوشیده نیست که اشرف دهقانی در تمام دوران زندگی اش در صحنه مبارزات بی وقفه با دشمنان مردم بوده است. اما مصداقی برای تخطئه وی به این مسأله اشاره می کند که او در خارج از کشور نشسته و طی این سالها خبری از او نیست. اما اگر از او خبری نبود پس کتابهایی را که مصداقی در همین مصاحبه نام می برد چه کسی نوشته است؟ مصداقی در مصاحبه پر از فحاشی اش از کتابهای "بذرهای ماندگار" و "در جدال در خاموشی" نوشته اشرف دهقانی نام می برد. خود همین امر نشان می دهد که او می داند که اشرف دهقانی طی این سالها کتابهای بسیار و صدها مقاله نوشته و منتشر نموده است که برخی از آنها را خود مصداقی در همان سایت خودش "پژواک ایران" درج نموده است. اتفاقاً مطالعه آثار نوشته شده توسط رفیق اشرف دهقانی نشان می دهد که او همیشه و بدون هیچ ملاحظه ای پرده از چهره دشمنان مردم و جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی چه اصلاح طلب و چه غیر اصلاح طلب و همچنین فرمیستها و سازشکاران و ساواکی ها و ... که در صف ضد انقلاب قرار دارند، بر داشته است. مصداقی گاه در لباس

دایهٔ مهربانتر از مادر به تاریخ مبارزات چریکهای فدائی خلق هم اشاره می کند و خواستار نوشتن این تاریخ می شود و حتی در این زمینه هم از فحاشی باز نمی ماند. در حالی که همه می دانند که **اشرف دهقانی** در کتاب های "فراز هائی از تاریخ چریکهای فدائی خلق ایران"، "بذرهای ماندگار"، "چریکهای فدائی خلق و بختک حزب توده" و همچنین در دهها نوشتهٔ دیگرش از جمله "بی بی سی و رستاخیز سیاهکل- برای ثبت در تاریخ"، به نوبهٔ خود به توضیح و تشریح این تاریخ پرداخته است. به همین دلیل هم هر آنچه **مصدقی** در این زمینه گفته نادرست و دروغ است. ایشان در مصاحبه با تلویزیون میهن چندین بار با تأکید آدرس شهری که **اشرف دهقانی** در آنجا زندگی می کند را افشاء می کند. در حالی که اگر بحث صرفاً بر سر بودن در خارج از کشور بود همین را می توانست بگوید. آیا این جز گر دادن به انواع دشمنان از پاسداران و بسیجی های جمهوری اسلامی گرفته تا دیگر دشمنان معنی دیگری دارد؟ آیا این آدم فروشی نیست؟

در جایی دیگر با اشاره به محل زندگی او در کشورهای سرمایه داری یا امپریالیستی به توهین به وی می پردازد. اما این به نظر من نه توهین به وی بلکه توهین به تمام انسانهای مبارز و انقلابی است که در این کشورها زندگی می کنند و تا آنجا که من آشنائی دارم این نوع فکر فقط متعلق به سلطنت طلبها و ساواکیها و مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. بی دلیل نیست که در سایت گویا مواضع و اسامی افرادی که به طرفداری از **مصدقی** برخاستند نشان می داد که یا تیمسار و سلطنت طلب هستند و یا رژیمی طرفدار امام زمان. یعنی کسانی که کاملاً در صف ضد انقلاب قرار دارند که ادعاهای دروغین **مصدقی** حرف دل آنان است.

از آنجا که قصدم در این نوشته پرداختن به تمام اتهامات و دروغ های **مصدقی** نیست فقط به عنوان یک فعال سیاسی وظیفهٔ خود می دانم در چند مورد برای روشن شدن حقایق تا آنجا که آگاهی دارم به آنها اشاره کنم. لازم می دانم به کتاب خاطرات **مصدقی** و به یکی دیگر از دروغ ها و تهمت های آگاهانهٔ او اشاره کنم. **مصدقی** در کتاب خود به نام "نه زیستن نه مرگ" از زندانی سیاسی به نام **فرشید جعفری** که هوادار چریکهای فدائی خلق بوده نوشته و توضیح داده که نامبرده توسط برادرش به نام **حمید جعفری** که از چریکهای فدائی نبوده لو رفته و پس از دستگیری تعادل روحی خود را از دست داده است. بر اساس نوشته های **مصدقی**، **حمید جعفری** از اولین تواب های جمهوری اسلامی بوده که در آن کتاب **مصدقی** او را به چریکها منتسب نکرده است. اما در مصاحبه با تلویزیون میهن او با ریاکاری تمام جای **فرشید** و **حمید** را عوض کرده و مدعی می شود که نه **فرشید** بلکه **حمید** که تواب بدی بوده از چریکها بوده است. آیا این کار دروغ گفتن به مردم نیست؟ در حالی که اصلاً مهم نیست که فلان تواب از چه گروهی بوده است آنچه مهم است این است که بپذیریم تواب ها بخشی از ماشین سرکوب جمهوری اسلامی بودند و آیا **مصدقی** این را می پذیرد؟ باز در قسمتی دیگر از فحاشی های خود اشاره به عمر یک چریک می کند که باید بیش از شش ماه نباشد!! من نمی دانم این تز ها را **مصدقی** از کجا آورده چون اگر به زندگی رفیق **حمید اشرف** نگاه کنیم می بینیم که وی نزدیک به ۶ سال زندگی چریکی داشته است. معلوم نیست پس چرا چنین تفکری مدعی تعریف و تمجید از **حمید اشرف** هم هست. اگر عمر یک چریک شش ماه است پس به **حمید اشرف** هم انتقاد وارد است که به جای شش ماه، شش سال زندگی چریکی داشته است. نتیجه ای که من از این مصاحبه گرفتم این است که مسأله ظاهر قضیه نیست که **مصدقی** با پرخاشگری قصد جا انداختن آن را دارد. بلکه به باور من خشم **مصدقی** از موضع انقلابی چریکهای فدائی خلق ایران است که خط انقلابی و تاریخ چریکها را حفظ و تبلیغ کرده است. این جریان سیاسی، انسانهای مبارزی چون **حمید اشرف** ها، **صمد بهرنگی** ها، **گل سرخی** ها و هزاران هزار مبارز انقلابی و آگاه که با از جان گذشتگی وفاداری خود بذرهای ماندگار در انقلاب ایران شدند را به دست فراموشی نسپرده و همواره از آنها تجلیل کرده است. چرا که راه

آنان را راه نسل کنونی و نسلهای آینده می داند . به عقیده من تمام مصاحبه مصداقی که با دروغ و افتراء همراه بوده او را به جایگاهی که حداقل از سه سال پیش در همنشینی با یک ساواکی برای خود برگزیده، پرتاب کرد. دفاع آتشین او از یک ساواکی در مقابل رفیق اشرف دهقانی و دشمنی آشکار با مبارزان انقلابی مانند رفیق علیرضا ناپدل و دیگر نیروهای انقلابی ثمره ای جز اغتشاش در صف انقلابیون و ضد انقلابیون چیز دیگری به همراه ندارد.

از آنجا که مصداقی در مصاحبه اش نشان داد که از "بی همه چیز" نامیده شدن ساواکی همنشینش بسیار آشفته شده است لازم می دانم تأکید کنم که اتفاقاً صفت بی همه چیز بهترین صفتی است که مردمان مبارز ما در زمان شاه منفور در مورد ساواکی ها به کار می بردند. بی همه چیز یعنی کسی که پای بند هیچ اصول و پرنسب قابل قبول مردم نیست. شرف ندارد، وجدان ندارد ، آدم فروش است و به هر رذالتی تن می دهد. از مصداقی باید پرسید که آیا ساواکی ها چنین نیستند و آیا مأموران وزارت اطلاعات چنین نیستند؟ و امروز هم مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را با صفتی بهتر از این می توان توصیف نمود؟

به عقیده من نوشته رفیق اشرف دهقانی گذشته از پاسخ گوئی به مسئولیت مبارزاتی و انقلابی خود در افشای یک ساواکی مزدور، همچنین آموزشی در شیوه برخورد با مخالفان و صاحبان عقاید دیگر بود. اما مصداقی در مصاحبه اش با تلویزیون میهن نشان داد که هیچ از این آموزش نیاموخته و درست به عکس آن با درشت گوئی و توهین و اهانت قصد لاپوشانی واقعیت وجودی خود را دارد.

نابود باد رژیم جمهوری اسلامی

یک فعال سیاسی- نادر تهرانی

۱۶ جون ۲۰۱۶